

سبک عهد سلجوقی :

- دلایل تغییر سبک از خراسانی به سلجوقی :
- تلفیق مردم خراسان و عراق : یعنی زبان دری از خراسان وارد همه ی نقاط شد و این موجب از بین رفتن لغت های قدیمی فارسی و وارد شدن لغات ترکی و عربی شد .
- رواج تصوف و فعالیت صوفیان
- تأسیس مدارس دینی و رواج علوم اسلامی ، بد دانستن علوم عقلی و حجاب اکبر دانستن آن و تعصبات شدید مذهبی .
- حمله و تعرض به آثار فارسی قدیم و آداب رسوم ایرانی .

در قرن ششم دو مکتب شعری در ایران وجود دارد :

۱. سبک آذربایجانی یا ارانی

2. سبک جدید بینابین یا سبک عهد سلجوقی .

سبک آذربایجانی :

از مشخصات فکری سبک آذربایجانی : فاضل نمایی و اشاره به علوم مختلف ، تلمیحات گوناگون از جمله به آداب و رسوم مسیحیت ، اشاره به عقاید عامیانه ، مفاخره ، ایران دوستی و توجه به علوم ایران باستان (فقط در این دوره).

از شاعران سبک آذربایجانی ، مجیر الدین بیلقانی ، فلکی شروانی ، خاقانی و نظامی است .

نمونه ای از شعر خاقانی :

هان ای دل عبرت بین از دیده عبر کن هان ایوان مداین را آیینه ی عبرت دان
یک ره ز لب دجله منزل به مدائن کن وز دیده دوم دجله بر خاک مدائن ران
خود دجله چنان گرید صد دجله ی خون گویی کز گرمی خونابش آتش چکد از مژگان
بینی که لب دجله کف چون به دهان آرد گوئی ز تف آهش لب آبله زد چندان

نمونه ای از شعر نظامی :

به هنگام سختی مشو ناامید	کز ابر سیه بارد آب سپید
در چاره سازی به خود در میند	که بسیار تلخی بود سودمند
نفس به کز امید یاری دهد	که ایزد خود امیدواری دهد
گره در میاور بر ابروی خویش	در آینه فتح بین روی خویش
گزارنده نقش دیبای روم	کند نقش دیباچه را مشک بوم
که چون شد سکندر جهان را کلید	ز شمشیرش آینه آمد پدید
عروس جهان را که شد جلوه ساز	بدان روشن آینه آمد نیاز
نبود آینه پیش از او ساخته	به تدبیر او گشت پرداخته

- سبک بینابین یا سبک عهد سلجوقی

مختصات کلی شعر عهد سلجوقی :

از نظر زبانی : فراوانی کلمات و اصطلاحات عربی ، فراوانی اصطلاحات جدید ، حرکت به طرف دشواری و پیچیدگی ، ورود لغات ترکی .
از نظر فکری : اشاره به قرآن و حدیث و ضرب المثل عربی ، نزاع و دعوی معتزله و اشعریان ، مخالفت با شاهان ایرانی پیش از اسلام و طعن شاهنامه ، شعر عرفانی و شرعی .
از نظر ادبی : استفاده از همه ی قالب های شعری ، سخت بودن شعر ، توجه به تمثیل و مضامین شعر عرب .

از شاعران این سبک می توان به سنایی ، خیام ، ابوالفرج رومی ، رشید الدین وطواط ، ظهیر فاریابی ، جمال الدین اصفهانی ، انوری ، مسعود سعد سلمان اشاره کرد .

نمونه ی شعر سنایی :

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا
 زین هر دو مانده نام چو سیمرخ و کیمیا
 شد راستی خیانت و شد زیرکی سفه
 شد دوستی عداوت و شد مردمی جفا
 گشته‌ست باژگونه همه رسمهای خلق
 زین عالم نبیره و گردون بی‌وفا
 هر عاقلی به زاویه‌ای مانده ممتحن
 هر فاضلی به داهیه‌ای گشته مبتلا
 آنکس که گوید از ره معنی کنون همی
 اندر میان خلق ممیز چو من کجا
 دیوانه را همی نشناسد ز هوشیار
 بیگانه را همی بگزیند بر آشنا
 با یکدگر کنند همی کبر هر گروه
 آگاه نه کز آن نتوان یافت کبریا
 هرگز بسوی کبر نتابد عنان خویش
 هرآنکه آیتی نخست بخواند «ز هل اتی»

نمونه ی شعر مسعود سعد سلمان :

نه بر خلاص حبس ز بختم عنایتی
 نه در صلاح کار ز چرخم هدایتی
 پیشم نهد زمانه ز تیمار سورتی
 هر گه که بخوانم ز اندوه آیتی
 از حبس من به هر شهر اکنون مصیبتی
 وز حال من به هر جا اکنون روایتی
 تا کی خورم به تلخی تا کی کشم به رنج
 از دوست طعنه‌ای وز دشمن سعایتی
 من کیستم چه دارم چندم کیم چیم
 کم هر زمان رساند گردون نکایتی
 نه نعمتی مرا که ببخشم خزینه‌ای
 نه عدتی مرا که بگیرم ولایتی
 نه روی محفلی ام و نه پشت لشکری
 نه مستحق و در خور صدر و ولایتی
 پیوسته بوده ام ز قضا در عقیده‌ای
 همواره کرده ام ز زمانه شکایتی
 از بهر جامه کهن و نان خشک من
 زینجا کدیه ایست وز آنجا رعایتی

سبک عراقی :

سبک عراقی شامل دوره ی مغولان ، ایلخانان و تیموری است . و از قرن هفتم تا اواخر قرن نهم ادامه دارد .

دو مختصه ی مهم سبک عراقی، **عرفان و غزل** است . بعد از حمله ی مغول روحیه ی ایرانیان ضعیف شده و احتیاج به سخنان آرام بخش داشتند از این رو به امور اخروی و قضا و قدر توجه بیشتری نشان دادند و این موضوع باعث رواج تصوف شد .

عرفان در قرن هفتم در آثار عطار و مولانا به اوج خود رسید و در قرن هشتم حافظ شعر شعرا و شعر عرفارا در هم آمیخت .

از شاعران قرن نهم و حکومت تیموریان ، قاسم انوار ، شاه نعمت الله ولی و جامی است .

مختصات سبک عراقی :

والا بودن مقام معشوق در اشعار عاشقانه ، وجود مسائل مهم عارفانه ، ادبیاتی درونگرا ، عشق گرا و محزون ، وجود مسائل علمی ، عرفانی و فلسفی .

از شاعران قرن هفتم در غزل عاشقانه و عارفانه، کمال اسماعیل ، سعدی ، عطار و مولانا است .

از شاعران قرن هشتم در غزل عارفانه و عاشقانه ، خواجهی کرمانی ، سلمان ساوجی ، کمال خجندی و حافظ است .

نمونه ی شعر سعدی و غزل عاشقانه ی او :

خبرت هست که بی روی تو آرامم نیست طاقت بار فراق این همه ایامم نیست
خالی از ذکر تو عضوی چه حکایت باشد سر مویی به غلط در همه اندامم نیست
گو همه شهر به جنگم به درآیند و خلاف من که در خلوت خاصم خبر از عامم نیست
به خدا و به سراپای تو کز دوستیت خبر از دشمن و اندیشه ز دشنامم نیست
دوستت دارم اگر لطف کنی ورنکنی به دو چم تو که چشم از تو به انعامم نیست

نمونه ی شعر عطار و شعر عارفانه :

چون نیست هیچ مردی در عشق یار ما را سجاده زاهدان را، درد و قمار ما را
جایی که جان مردان باشد چو گوی گردان آن نیست جای رندان با آن چکار ما

گر ساقیان معنی با زاهدان نشینند

می زاهدان ره راه، درد و خمار ما را

نمونه ی شعر مولانا و شعر عارفانه ی ناب :

من غلام قمرم غیر قمر هیچ مگو پیش من جز سخن شمع و شکر هیچ مگو
سخن رنج مگو جز سخن رنج مگو وز از این بی خبری رنج بر هیچ مگو
دو دیوانه شدم عشق مرا دید و بگفت آمده نعره مزن جامه مدر هیچ مگو
گفتم ای عشق من از چیز دیگر می ترسم گفت آن چیز دگر نیست دگر هیچ مگو

نمونه ی شعر عاشقانه عارفانه ی حافظ :

مرا عهدیست با جانان که تا جان در بدن دارم
هواداران کوبش را چو جان خویشتن دارم
صفای خلوت خاطر از آن شمع چگل جویم
فروغ چشم و نور دل از آن ماه ختن دارم
به کام و آرزوی دل چو دارم خلوتی حاصل
چه فکر از خبث بدگویان میان انجمن دارم
گرم صد لشکر از خوبان به قصد دل کمین سازند
بحمد الله و المنه بتی لشکر شکن دارم
الا ای پیر فرزانه مکن عیبم ز میخانه
که من در ترک پیمانه دلی پیمان شکن دارم
خدا را ای رقیب امشب زمانی دیده بر هم نه
که من با لعل خاموشش نهانی صد سخن دارم
چو در گلزار اقبالش خرامانم بحمدالله
نه میل لاله و نسرین نه برگ نسترن دارم
به رندی شهره شد حافظ میان همدمان لیکن
چه غم دارم که در عالم قوام الدین حسن دارم